



## Investigating the Factors of Breaking the Relationship of Citation in Criminal Law

## بررسی عوامل قطع رابطه استناد در حقوق کیفری

Javad Naderi ooj Boghzi

Student outside Qom seminary, PhD student in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Aras International Campus, Aras, Iran (Corresponding Author)

Ahmadreza Emtehani

Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran

Ali Paidarfard

Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran

جواد نادری عوج بغزی

طلبه دروس خارج حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی ارس، ارس، ایران (نویسنده مسئول)

njavad71@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0002-7440-8012>

احمدرضا امتحانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران  
emtehaniahmadreza@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0002-0253-0342>

علی پایدارفرد

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران  
alipaidar.f1375@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0002-7848-9315>

### Abstract

One of the most important and challenging issues of criminal law, which has a certain difficulty and complexity, is the discussion of the citation relationship (especially if several factors interfere in the emergence of the result) because in determining criminal liability and the resulting guarantee, this must always be The component to prove that the criminal result is documented by whose behavior? For this reason, the legislator has used words such as "documentary" and "citation" in the sixth chapter of the Islamic Penal Code adopted in 1995, which refers to the importance of this issue and in fact places criminal responsibility and guarantee on the basis of proving or not proving the citation relationship. . But regardless of how to establish a citation relationship in criminal law, which requires further research in this field, in this article, after solving these problems, it is stated what factors can cause the citation relationship to be severed? What are the consequences of terminating the citation in criminal law in the field of criminal liability and guarantee? In this research, by studying and studying the library resources while examining the necessity of establishing a citation relationship in crimes, the factors of termination of citation relationship and the results have been investigated.

Received: 2022/04/17 - Review: 2022/06/05 - Accepted: 2022/08/16

**Keywords:** Citation Relationship, Action Rule, Warning Rule, Benevolence Rule.

### چکیده

یکی از مباحث مهم و چالش برانگیز حقوق کیفری که از دشواری و پیچیدگی خاصی برخوردار است، بحث رابطه استناد می‌باشد (خصوصاً اگر عوامل متعددی در به وجود آمدن نتیجه حاصله مداخله نمایند) زیرا در باب تعیین مسئولیت کیفری و ضمان ناشی از آن همواره باید این مؤلفه اثبات گردد که نتیجه مجرمانه مستند به رفتار چه کسی است؟ از همین جهت قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از الفاظی همچون «مستند» و «استناد» استفاده نموده است که اشاره به اهمیت این موضوع دارد و در واقع مسئولیت و ضمان کیفری را دایرمدار اثبات و یا عدم اثبات رابطه استناد قرار می‌دهد. اما فارغ از نحوه احراز رابطه استناد در حقوق کیفری که پژوهش دیگری را در این زمینه می‌طلبد، در این پژوهش به دنبال حل این مسائل، بیان شده است چه عواملی می‌توانند موجب قطع رابطه استناد گردند؟ قطع رابطه استناد در حقوق کیفری چه پیامدهایی را در حوزه مسئولیت و ضمان کیفری، به دنبال خواهد داشت؟ در این پژوهش با مطالعه و مذاقه بر منابع کتابخانه‌ای ضمن بررسی لزوم احراز رابطه استناد در جرایم، عوامل قطع رابطه استناد و نتایج حاصله بررسی شده است.

**واژگان کلیدی:** رابطه استناد، قاعده اقدام، قاعده هشدار، قاعده احسان.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶

ارجاع:

نادری عوج بغزی، جواد؛ امتحانی، احمدرضا؛ پایدارفرد، علی؛ (۱۴۰۱)، بررسی عوامل قطع رابطه استناد در حقوق کیفری، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

جرایم در حقوق کیفری به مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. در جرایم مقید (برخلاف جرایم مطلق) حصول نتیجه مجرمانه، شرط اصلی تحقق بزه کیفری است و رابطه استناد مانند نخ‌ است که نتیجه مجرمانه را به رفتار مرتکب متصل می‌نماید و در واقع مستند بودن نتیجه حاصله به رفتار مرتکب، رابطه استناد به شمار می‌رود که مهم‌ترین ضابطه مسئولیت کیفری و ضمان ناشی از آن می‌باشد. بنابراین می‌توان خواستگاه و محل اصلی جریان رابطه استناد را در جرایم مقید به نتیجه دانست اما امکان‌سنجی جریان رابطه استناد در جرایم مطلق به منزله اثبات استناد رفتار به شخص مرتکب بحث دیگری است. علیرغم اینکه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مکرراً از الفاظی همچون «استناد» و «مستند» استفاده نموده است لیکن هیچ‌گونه اشاره‌ای به نحوه احراز آن و یا عوامل قطع آن نداشته است لذا در این جا باید اذعان داشت که احراز رابطه استناد در جرایم امری است و وجود اتصال و پیوستگی و عدم قطع آن رابطه با رفتار مرتکب نیز امری دیگر است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آثار و پیامدهایی به همراه خواهد داشت.

در باب اهمیت بحث قطع رابطه استناد همین کافی است که بگوییم همواره و کلاً در مقام دفاع از موکلین خود، رابطه استناد را نشانه می‌روند و در صورت تزلزل و یا قطع رابطه استناد با رفتار مرتکب، بی‌شک مسئولیت کیفری و ضمان ناشی از آن نیز منتفی خواهد شد؛ بنابراین محور اصلی این پژوهش عواملی هستند که رابطه استناد را قطع می‌نمایند (عواملی همچون قاعده اقدام، قاعده هشدار و قاعده

احسان) که به طور مفصل و دقیق مورد بررسی و تشریح قرار خواهند گرفت و طبعاً پیامد اصلی آن که عدم مسئولیت کیفری است، آشکار خواهد شد و بحث لزوم احراز رابطه استناد در جرایم به دلیل اهمیت جایگاه آن و نیز لزوم اتصال و پیوستگی رفتار و رابطه استناد، پیش از ورود به مبحث اصلی (عوامل قطع رابطه استناد) تشریح می‌گردد.

### ۱- لزوم احراز رابطه استناد

در این مقام به دنبال بررسی این سوال خواهیم بود که دلیل لزوم احراز رابطه استناد چیست و چرا باید در جرایم، رابطه استناد را احراز کنیم؟ و رابطه استناد آیا صرفاً در جرایم مقید به نتیجه جریان دارد و باید احراز گردد و یا در جرایم مطلق نیز امکان جریان و احراز آن مطرح است؟ عنصر مادی هر جرمی، رکن اصلی آن جرم محسوب می‌گردد و در اغلب موارد به صورت فعل محقق می‌گردد و تحقق عنصر مادی از طریق ترک فعل هر چند در میان فقها و حقوقدانان، موضوعی چالش برانگیز می‌باشد و حتی در میان فقهای مذاهب مختلف، اختلاف نظر وجود دارد، اما امکان تحقق عنصر مادی از طریق ترک فعل نیز وجود دارد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۵، ۹۰).

به هر حال، عنصر مادی چه از طریق فعل و چه از طریق ترک فعل، در عالم خارج محقق شود، چنانچه در ذات خود رفتار مجرمانه باشد و قانونگذار اقدام به جرم‌انگاری آن نموده باشد، در این جا با دو حالت مواجه خواهیم شد، یا آن رفتار به خودی خود در نزد قانونگذار جرم است حتی اگر به نتیجه‌ای ختم نشود و یا اصلاً دارای نتیجه نباشد که به آن جرم مطلق می‌گویند مانند ترک انفاق و یا این که برای تحقق نیاز به حصول نتیجه دارد و تا زمانی که نتیجه مجرمانه حاصل نشود، امکان ندارد که بگوییم آن شخص مرتکب رفتار مجرمانه شده است. در کلام فقها، در موارد زیادی می‌بینیم که به لزوم احراز و اثبات رابطه استناد تأکید شده و مقنن نیز در مواضع مختلف از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مانند مواد «۵۰۰»<sup>۱</sup>، «۵۲۶»<sup>۲</sup>، «۵۲۹»<sup>۳</sup> و «۵۳۱»<sup>۴</sup> به اهمیت احراز آن تصریح نموده است. البته احراز رابطه استناد در

۱- ماده ۵۰۰: در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضامن متفی است.

۲- ماده ۵۲۶: هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند

کنار دیگر شروط مسئولیت، موضوعی ضروری در تحمیل مسئولیت کیفری می‌باشد که می‌توان گفت؛ اولاً؛ نبود رابطه استناد برابر با فقدان مسئولیت می‌باشد و ثانیاً رابطه استناد برای تحقق مسئولیت کیفری کافی نیست (صادقی و میرزایی، ۱۳۹۸، ۱۹۶).

پدیده مجرمانه که خود متشکل از عناصر سه‌گانه است با فقدان هر یک از آن‌ها، پدیده مجرمانه منتفی تلقی خواهد شد و دادگاه نیز باید برای اثبات جرم به تمامی عناصر متشکله توجه نماید تا آن جایی که در برخی موارد در برخی از پرونده‌های جزایی که در دیوان عالی کشور مطرح شده است، شعب رسیدگی به پرونده تأکید زیادی به بررسی دقیق عناصر سه‌گانه داشته‌اند.

در کلیه پرونده‌های جزایی باید استناد رفتار مادی به عملکرد متهم اثبات شود. حال سوالی که به ذهن می‌رسد این است که در خصوص رابطه استناد، آیا استناد نتیجه به رفتار متهم را بررسی کنیم یا استناد رفتار مادی به متهم را؟ غالباً در خصوص استناد رفتار به متهم اختلافی وجود ندارد و رویه آن است که بر اساس تحقیقات مقدماتی، بازجویی و... مشخص می‌شود که متهم مرتکب فلان رفتار شده است یا خیر. لیکن این رفتار آیا مجرمانه است و دارای عنوان جزایی است یا خیر، این را قانون مشخص می‌کند. آنچه در این بحث مورد بررسی است این است که بگوییم؛ این رفتار به یک نتیجه ختم شده است و می‌خواهیم اول لزوم اثبات و احراز رابطه استناد میان رفتار و نتیجه را بررسی نماییم. البته ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که رابطه استناد تنها در حالتی قابل تصور است که عاملی در تحقق امری مؤثر باشد و الا در صورت عدم تحقق این مقوله، فرض تحقق رابطه، بی‌معنی خواهد بود (قیاسی، ۱۳۸۶، ۷۵).

در اهمیت و لزوم احراز رابطه استناد همین بس که بگوییم؛ ثبوت ضمان متوقف بر استناد است و مراد از آن احراز رابطه سببی میان فعل و نتیجه است به نحوی که بتوان صدمه و خسارت را به اقدام عامل نسبت داد (صادقی و میرزایی، ۱۳۹۸، ۱۷۰). پس از آن جایی که معیار، ملاک و مبنای مسئولیت کیفری، رابطه استناد و احراز رابطه سببی میان فعل و نتیجه است، بی‌تردید لزوم احراز آن و اهمیت توجه به آن ناگفته

مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است.

۳- ماده ۵۲۹: در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.

۴- ماده ۵۳۱: در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل این که حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است.

پیداست که در صورت عدم احراز همان گونه که در برخی از آراء صادره دیوان عالی کشور شاهد آن هستیم، رای صادره برائت خواهد بود.

بنا بر نظر حقوقدانان عنصر مادی که خود از چهار جزء تشکیل شده است (قیاسی، ۱۳۸۶، ۷۹)، رفتار، اوضاع و احوال و شرایط، نتیجه و رابطه استناد لازم است در رکن مادی تمامی اجزای چهارگانه احراز و اثبات گردد زیرا در صورت عدم احراز رابطه استناد که جزء چهارم رکن مادی محسوب می‌شود، در واقع رکن مادی ثابت نشده و نمی‌توان رفتار و نتیجه حاصله را به مرتکب منسوب کرد و حکم به برائت آن صادر خواهد شد. کما این که در رای وحدت رویه صادره از سوی دیوان عالی کشور به شماره «۷۱۷»<sup>۵</sup> به تاریخ ۱۳۹۰/۳/۳۰، در خصوص مسئولیت هر یک از رانندگان در برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل، صراحتاً به لزوم احراز رابطه استناد در جرایم و حوادث رانندگی اشاره شده است. پس صرف انجام رفتار مجرمانه و یا زیان‌بار کافی نیست، بلکه باید میان رفتار و نتیجه رابطه استناد احراز گردد.

هرچند احراز رابطه استناد از پیچیدگی خاصی برخوردار بوده و در این خصوص رویکرد واحدی وجود ندارد لیکن با توجه به این که برخی از حقوقدانان جایگاه آن را در رکن مادی می‌دانند و لازم است تا اجزاء رکن مادی ثابت و احراز گردد، لذا لزوم احراز رابطه استناد در جرایم این گونه تشریح شد که در صورت فقدان آن، خدشه در رکن مادی پدیده مجرمانه ایجاد می‌گردد و عدم ثبوت و وجود نقص در رکن مادی موجب منتفی شدن پدیده مجرمانه می‌گردد.

بحث دیگر آن است که بگوییم؛ آیا رابطه استناد در جرایم مطلق نیز جریان دارد یا خیر؟ برخی از حقوقدانان ذیل ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این گونه بیان نموده‌اند «در این ماده تعبیر (استناد نتیجه) دلالت بر این ادعا دارد که رابطه سببیت تنها در جرایم مقید به نتیجه کاربرد دارد...» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ۷۶). ایشان در ادامه بیان می‌دارند؛ «قابلیت انتساب که مربوط به جرایم مطلق است، مربوط به جزء اولین عنصر مادی یعنی رفتار فیزیکی است؛ بدین معنا که رفتار فیزیکی در یک جرم باید منتسب به مرتکبان باشد و در مواردی این رفتار مادی و فیزیکی قابلیت انتساب به مرتکب را ندارد مانند فرضی که مرتکب جرم از نظر جسمی و روحی به اندازه‌ای از آمادگی لازم برخوردار نیست (یعنی واجد شعور نیست) که جرم قابل به انتساب او باشد مانند: دیوانه، مکره، مضطر و امثال آن که از آمادگی

۵- بر حسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن‌ها گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر -به هر میزان که باشد- به نحو تساوی خواهد بود.

روحي برخوردار نيستند و در نتيجه رفتار مادي جرم قابليت انتساب به آنان را ندارد و نيز به خلاف شخص مجبور که از لحاظ جسمي جرم قابليت انتساب به وي را ندارد، زيرا برخي در اين فرض بر اين عقیده‌اند که وقتی عنصر مادي جرم قابل انتساب به وي نباشد، اساساً جرمي محقق نشده است و در نتيجه باز هم به طريق اولي جرم به وي منتسب نيست. « (هاشمي شاهرودي، ۱۴۲۳ق، ۷۶). وي در ادامه مي‌نويسد «بنابراين به نظر مي‌رسد رابطه سبب ميان فعل مجرمانه و نتيجه حاصله مختص به جرايم مقيد به نتيجه است و قابليت انتساب يک جرم به مجرم در مورد جرايم مطلق نيز مطرح است، چون در جرم مطلق اگرچه نتيجه لازم نيست و بايد عمل مجرمانه يا همان رفتار مادي و فزيکي منتسب به مجرم باشد. « (هاشمي شاهرودي، ۱۴۲۳ق، ۷۷).

برخي از حقوقدانان هم ضمن تأييد جايگاه رابطه استناد در رکن مادي؛ آنرا در جرايم مقيد به نتيجه مطرح مي‌نمايند و اساس وجودي رابطه استناد را اين گونه بيان مي‌کنند که رابطه استناد مانند نخي است که نتيجه را به رفتار مجرمانه وصل مي‌کند و اساساً جريان رابطه استناد در جرايم مطلق را رد مي‌نمايند (آقايي نيا، ۱۳۸۶، ۵۷). ليکن از آن جايي که مبناي مسئوليت کيفري، وجود رابطه استناد مي‌باشد حق اين است که بگوئيم، رابطه استناد علاوه بر اين که در جرايم مقيد به نتيجه جريان دارد، مي‌توان آن را در جرايم مطلق نيز مطرح نمود، زيرا در بحث رابطه استناد، گاهي نگاه ما به استناد نتيجه به رفتار مرتکب است که اين مربوط به جرايم مقيد به نتيجه است ولي گاهي نگاه ما به استناد رفتار مادي و فزيکي به مجرم است که اين مورد در جرايم مطلق مطرح مي‌باشد بنابراين اقوي جريان رابطه استناد در جرايم مقيد به نتيجه و نيز در جرايم مطلق است.

## ۲- قطع رابطه استناد

رابطه استناد به عنوان اصلي ترين مبناي مسئوليت در حقوق مدني و کيفري، جهت احراز آن، به يک پيش فرض و پيش زمينه نيازمنديم. به عبارت ديگر، اگر پيوستگي رفتار به نتيجه به هر طريقي قطع شود، منجر به قطع رابطه استناد شده و ديگر نمي‌توان مرتکب رفتار مجرمانه را، مجرم تلقی نمود. از همين جهت است که در برخي از نظام‌هاي حقوقي در ساير کشورها، اغلب و کلا جهت تبرئه نمودن متهم در دادگاه، به تزلزل و قطع رابطه استناد، پافشاري مي‌نمايند. در اين مقام ضمن تبیین و بررسی سه قاعده مهم و اساسي؛ قاعده احسان، قاعده هشدار و قاعده اقدام از حيث مفهوم و مستندات، نقش، جايگاه و چگونگي تأثير آن‌ها در قطع رابطه استناد را مورد بررسی دقيق قرار خواهيم داد. به عنوان مثال، اگر راننده‌اي زني را به

قصد تجاوز بر باید و زن پس از اطلاع و عدم توجه راننده به درخواست و التماس وی، درب اتومبیل را باز کند و خود را به بیرون پرت نماید و منجر به فوت او گردد، در این جا نمی توان راننده را قاتل به شمار آورد، گرچه آدم ربایی به عنوان سبب این حادثه محسوب می شود (گرچه سبب حقوقی به شمار نمی رود) لیکن مرگ بر اثر فعل ارادی آن زن، با باز نمودن درب اتومبیل و بیرون پریدن به وقوع پیوسته است.

## ۲-۱- قاعده احسان

در این که آیا قاعده احسان می تواند عامل قطع رابطه استناد باشد و این قطع به چه نحو است، لازم است تا پیش از آن به بررسی مفهوم و ماهیت قاعده احسان پردازیم و ضمن بیان مستندات قاعده، شرایط، محدوده و درجات احسان، به چگونگی اسقاط ضمان (اعم از مدنی و کیفری) توسط این قاعده خواهیم پرداخت. مراد از این قاعده این است که هرگاه شخصی به انگیزه خدمت و نیکوکاری به دیگران باعث ورود ضرر مالی و جانی گردد، اقدامش مسئولیت آور نبوده و مشمول آیه شریفه «۹۱»<sup>۶</sup> سوره مبارکه توبه می شود (ابن الأثیر، ۱۳۶۴، ۳۸۷). در لغت احسان بر وزن افعال که از حسن گرفته شده، به معنای ضد قبح، زیبایی و جمال می باشد (جوهری، ۱۹۹۰م، ۲۰۹). در اصطلاح نیز به معنای نفعی به دیگران رساندن بدون این که آن شخص مستحق حق باشد البته به قصد احسان صورت گیرد (جوهری، ۱۹۹۰م، ۲۰۹). واژه سیبل که در آیه شریفه آمده است از حیث لغوی به معنای راه، برهان، حجت، سبب، مواخذه و عقاب می باشد (فیومی، ۱۴۰۵ق، ۲۶۵) که با توجه به شان نزول و تفسیر آیه شریفه، واژه سیبل معنای مواخذه را دارد یعنی محسن را به هیچ وجه به سبب آن که از عمل نیکوی او ناشی شده نمی توان مواخذه نمود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۴).

### ۱-۲-۱- مستندات قاعده احسان

اولین مستند قاعده احسان آیه شریفه ۹۱ سوره مبارکه توبه می باشد که در بحث مفهوم شناسی احسان بدان اشاره نمودیم. در بررسی مستندات قاعده احسان، زمانی که به سنت رجوع می کنیم، روایات و احادیث متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود. از حضرت علی علیه السلام منقول است که

۶- لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند هیچ گاهی نیست [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست و خدا آمرزنده مهربان است.

فرموده‌اند: پاداش احسان را به بدی دادن، نادیده گرفتن نعمت است.<sup>۷</sup> به معنای این که مسئول تلقی نمودن شخص محسن نسبت به کارهایی که به قصد خیر انجام داده است زشت و ناپسند می‌باشد (خوانساری، ۱۳۸۵، ۳۲۴). ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر فرموده‌اند: نیکوکار و بدکار نباید در نظر او یکسان باشد زیرا در این صورت به نیکوکاران به خاطر احسان آنان سخت‌گیری شده و بر بدکاران نسبت به بدکاری آنان آسان گرفته شده است<sup>۸</sup> (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ۴۳۰).

اگر به عقل که یکی از منابع و ادله اربعه به شمار می‌رود مراجعه کنیم، عقل مواخذه شخصی را که عمل او با قصد نیکوکاری، منجر به ضرر و زیان نسبت به دیگری شده است، قبیح می‌داند که در همین راستا خداوند رحمان فرماید: آیا جزای نیکویی به جز نیکویی است<sup>۹</sup> (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۲۹۵). در بررسی اجماع، به این نتیجه می‌رسیم که فقهای متأخر و متقدم اجماعی بر این موضوع وفاق نداشته و آنچه در کتب فقهی مشاهده می‌شود این است که فقیهان افراد محسن را به هیچ عنوان ضامن تلقی نمی‌کنند و در مواردی هم دیده شده است که بر عدم ضمان محسن توسط فقها فتوا داده شده است. اصل عمل فقها نسبت به این قاعده، مسلم بوده لکن مستند دقیق آن‌ها و نیز محدوده و قلمرو این قاعده روشن نیست ولی در تاریخ فقه امامیه، اولین بار این قاعده در کتاب مرحوم شیخ طوسی و بعد از آن در کتب محقق حلی و علامه حلی و شهیدین یافت شده و بدان استناد نمودند. حتی در میان فقهای اهل سنت (حنفی) به کثرت به این قاعده استناد و استدلال نموده‌اند زیرا در میان اهل سنت، مذهب حنفی بیش از سایر مذاهب، نسبت به منطق و امور عقلانی، گرایش دارد و استوار می‌باشد.

## ۲-۱- محدودده و درجات احسان

در آیه شریفه ۹۱ سوره مبارکه توبه سبیل را به معنای مؤاخذه گرفتیم؛ حال مؤاخذه گاه در مقام تکلیف است و گاه در مقام وضع می‌باشد (نائینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ۱۳۱). احکام وضعی نیز علاوه بر این که اولاً و بالذات به افعال تعلق ندارند، متضمن کیفر دردناک نیز نمی‌باشند (نائینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ۱۴۰). به بیان دیگر، مؤاخذه گاه ناظر به حکم تکلیفی بوده و ترک آن، موجب عقوبت اخروی است و گاه ناظر به

۷- الجزء علی الاحسان باء سائنة کفران.

۸- ولا یكونن المحسن والمسیء عندک بمنزلة سواء فان ذلک تزهيدا لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاهل إساءة علی إساءة.

۹- آیه شریفه ۶۰ سوره مبارکه الرحمان: هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ.



حکم وضعی می‌باشد. در خصوص قاعده احسان بحث دفع ضرر و جلب منفعت مطرح می‌باشد که آیا این قاعده محدود به دفع ضرر است یا جلب منفعت یا هر دو؟ در این خصوص بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و عده‌ای این قاعده را صرفاً در موارد دفع ضرر جاری می‌دانند و برخی آن را به جلب منفعت اختصاص داده‌اند (حلی، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ۱۱). به هر حال بهتر آن است که احسان را اعم از جلب منفعت یا دفع ضرر محسوب نماییم زیرا بنا بر آنچه از واژه احسان متبادر می‌گردد، معنای عام است و از سوی دیگر مفاد این قاعده به عنوان حکم عقلی، غیرقابل تخصیص است. فقها برای احسان درجاتی را بیان نمودند که ضمن تبیین هر کدام، به نظرات فقها نیز اشاره خواهیم نمود.

احسان قصدی: برخی بر این باورند که صدق احسان جهت بار نمودن آثار و جریان قاعده، صرفاً متوقف بر قصد می‌باشد و به عمل انجام شده و ماهیت فعل، هیچ گونه توجهی نمی‌شود (حلی، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ۱۱). استدلال قائلین این است که در آیه شریفه (المحسنین) جمع محلی به ال می‌باشد، از سوی دیگر در آیه مذکور نکره در سیاق نفی آمده است. عموم سیل اعم وضعی و تکلیفی را نفی می‌نماید پس قدر متیقن از محسن این است که بگوئیم کسی است که قصد احسان داشته باشد تا مشمول آیه شریفه گردد (موسوی عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ۴۵). فقهای متأخر و معاصر زیادی هستند که توجه به صرف قصد احسان را کافی نمی‌دانند.<sup>۱۰</sup>

احسان فعلی: برخی بر این باورند که در صورتی احسان منجر به عدم ضمان می‌شود و ذیل عموماً آیه شریفه قرار می‌گیرد که احسان واقعی و ماهیت واقعی فعل محسنانه در عالم خارج، حادث شده باشد (نائینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ۱۳۰). در همین خصوص فقها به صراحت احسان فعلی و واقعی را مورد پذیرش قرار داده‌اند و صرف قصد احسان و احسان خیالی را مسقط ضمان نمی‌دانند.<sup>۱۱</sup>

احسان فعلی و قصدی: بر این اساس برای جریان قاعده احسان و محسن خطاب نمودن شخص، لازم است تا علاوه بر وجود عنصر قصد، به عمل واقعی وی نیز به عنوان احسان صدق نماید که برخی از فقها، بر این باورند احسان بودن فعل کفایت نمی‌کند و باید به همراه قصد باشد که این که قصد به تنهایی هیچ اثری نداشته و فعل خارجی که بتوان آن را احسان خطاب نمود، لازم است (فیض، ۱۳۷۹، ۱۴۵).

### ۳-۲-۱- اسقاط ضمان بر اساس قاعده احسان

بدون شک تحقق مسئولیت منوط به حصول چهار شرط اساسی می‌باشد: ورود ضرر، فعل زیان بار، رابطه

۱۰- حضرات آیات عظام، بهجت، موسوی اردبیلی، صافی گلپایگانی، نوری همدانی.

۱۱- حضرات آیات عظام، موسوی اردبیلی، مکارم شیرازی و خامنه‌ای.

سببیت و رابطه استناد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ۱۷۱). در نظام حقوقی کنونی، اسقاط ضمان دارای مبانی و طرقي می‌باشد که پذیرش هر کدام دارای آثاری می‌باشد. در مورد قاعده احسان نیز، همین گونه است زیرا اگر بخواهیم قاعده احسان را به عنوان یک قاعده مستقل معرفی کرده و مورد توجه قرار دهیم و آن را بالاصاله مسقط ضمان محسوب نماییم، در توجیه آن با مشکلات، نظرات و مبانی متعددی روبرو خواهیم شد. برخی به وسیله موضوعیت دادن به احسان و حسن نیت، مبنای سقوط ضمان در قاعده احسان را، وجود حسن نیت می‌دانند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۴۷۸). در حالی که مرحوم امام خمینی (ره) ضمان را در دائرمدار وجود ید عدوانی می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳۹۶) و برخی ضمن تصریح به عقلی بودن قاعده احسان و عدم تخصیص احکام عقلی، این قاعده را مخصص قاعده اتلاف و قاعده علی الید معرفی نموده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ۱۶۱) و برخی هم قاعده احسان و اتلاف را معارض یکدیگر معرفی نموده و به دلیل عدم وجود ترجیح، هر دو دلیل را از اعتبار ساقط نموده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ۱۶۱). برخی نیز ادله قاعده احسان را به عنوان ادله عناوین ثانویه مورد پذیرش قرار داده و قواعد و ادله اثبات ضمان را به عنوان ادله اولیه می‌دانند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ۲۹۱).

مطالب ذکر شده که مبانی متفاوت و گاه متعارض را بیان می‌کند و در مقام بیان و توجیه سقوط ضمان در قاعده احسان است، خود می‌تواند مؤیدی باشد که در خصوص اصالت استقلالی قاعده احسان، مبنایی مستحکم وجود ندارد. قاعده احسان در واقع ابزاری است که ضمن طریقت داشتن، ما را به عدم رابطه استناد سوق داده و عدم ضمان از نتایج کاربردی آن به شمار می‌رود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۰). این بدان معناست که قاعده احسان در اثبات و احراز رابطه استناد طریقت دارد نه موضوعیت، در نتیجه شخص محسن، مسئولیت اش ساقط نمی‌شود بلکه چون دارای احسان فعلی می‌باشد، مانع و قاطع جریان رابطه استناد است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳۹۸). به همین جهت قطع جریان رابطه استناد بین فعل محسنانه و نتیجه مضرانه یا مجرمانه منجر به عدم ضمان وی می‌گردد. برخی از فقها مجدداً بر عدم عدوانی بودن اشاره نموده‌اند و تصریح کرده‌اند که فعل محسنانه نباید بر اساس عدوان صورت گرفته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ۲۹۲) و این به عنوان شرط لازم به شمار رفته زیرا عدوان در نزد فقها و حقوقدانان شرط و لازمه ضمان است. از آن جایی که رابطه استناد را جزء چهار رکن اساسی مسئولیت مطرح نمودیم در صورت وجود فعل محسنانه و عدم عدوان، بدون شک رابطه استناد قطع و منتفی بوده و قاعده احسان، عدم ضمان را به دنبال دارد.

## ۲-۲- قاعده هشدار

هشدار در واقع فعل امر بوده از (هش داشتن) لیکن به صورت اسم مصدر استعمال می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ۱۷۰) که به معنای خیر کردن، متوجه ساختن، ملتفت بودن، مواظب و مراقب بودن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ۱۷۲). در زبان عربی برابر هشدار (تحذیر) می‌باشد (لویس، ۱۹۷۳، م، ۶۱۲). می‌توان گفت معنای لغوی و اصطلاحی این واژه تفاوتی نداشته و هشدار را در اصطلاح، آگاهی دادن عامل زیان به زیان دیده محتمل از وقوع احتمالی ضرر معنا نموده‌اند (میرشکاری، ۱۳۹۰، ۶۹) که به معنای اعلان و آگاهی دادن افراد (آگاهی به موقع) نسبت به وضعیت خطرناک می‌باشد. شیخ طوسی در کتاب المبسوط چنین می‌فرماید: هر گاه شخصی در محل مسابقه تیراندازی از فاصله میان مسیر تیر و هدف عبور کند و مورد اصابت تیر قرار گیرد و کشته شود این قتل خطئی محسوب شده و به دلیل این که شخص پرتاب‌کننده تیر مقتول را هدف نگرفته بود بلکه هدف دیگری را غضب نموده بود<sup>۱۲</sup> (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۷، ۱۸۹). شیخ طوسی در این جا به قاعده هشدار اشاره نموده‌اند. ایشان در کتاب الوسیله الی نیل الفضیله نیز چنین می‌فرماید: هرگاه شخصی در محل مسابقه از فاصله میانه تیراندازان و هدف عبور کند و مورد اصابت تیر قرار گیرد، چنانچه تیرانداز هشدار داده باشد، به طور مطلق ضامن نیست ولی اگر هشدار نداده باشد، اگر محل در مالکیت تیرانداز باشد و مصدوم بدون اجازه او وارد شده باشد باز هم ضامن نیست و چنانچه با اجازه وارد شده یا محل ملک تیرانداز نبوده و هشدار نداده است، عاقله او ضامن بوده و باید دیه را پرداخت کنند<sup>۱۳</sup> (خوانساری، ۱۴۱۳، ۷۵۶). محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام این گونه می‌فرماید: اگر شخصی تیرانداز گفته باشد، پرهیز یعنی هشدار داده باشد ضامن نخواهد بود تیرانداز ضامن نیست<sup>۱۴</sup> (حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ۱۰۲۲). علامه حلی نیز در دو کتاب قواعد الاحکام و تحریر الاحکام از این عبارت استفاده نموده است: در صورت هشدار دادن و گفتن پرهیز، دیگر برای او ضمانی نخواهد بود<sup>۱۵</sup> (حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ۶۵۹). پس این قاعده مورد پذیرش و عمل فقها قرار گرفته و بر اساس آن فتوا داده‌اند.

۱۲- اذا مر رجل بین الرماة و بین الهداف فاسابه سهم من الرماة فهو قتل خطأ لان الرامی ما قصد الهداف.

۱۳- اذا مر رجل بین الرماة و بین الغرض فاسابه سهم و قد حذره الرامی لم یضمن وان لم یحذره و كان فی ملكه قد دخل علیه باذنه او كان فی غیر ملكه ولم یحذره كانت دیتة علی عاقلته.

۱۴- اذا قال حذار لم یضمن لما روی.

۱۵- لو ثبت انه قال حذار فلا ضمان.

## ۱-۲-۲- مستندات قاعده هشدار

### ۱-۲-۱-۱- روایت

یکی از مهم‌ترین مدارک و مستندات این قاعده روایت منقول از امام صادق علیه السلام می‌باشد که این روایت در کتب مهم شیعه ذکر گردیده و از حیث سندی و محتوایی تا حد زیادی یکسان می‌باشند. از حضرت امام صادق (ع) به سلسله سند مذکور نقل شده است که ایشان فرمودند در زمان حضرت علی علیه السلام کودکان با فلاخن (گردو) بازی می‌کردند که یکی از آنها با پرتاب نمودن فلاخن (گردو) منجر به شکسته شدن دندان دیگری شد، مرافعه را نزد حضرت علی علیه السلام بردند و در آن جا شخص پرتاب کننده، بینه آورد که بنده قبل از پرتاب به دیگران آگاهی، هشدار و اخطار دادم در همان جا حضرت علی علیه السلام برای شخص رومی، عدم ضمان را حکم نمودند و در آخر قاعده کلی را بیان نمودند که هر کس هشدار دهد، معذور است<sup>۱۶</sup> (حر عاملی، ۱۴۱۲م، ج ۱۹، ۵۰). این روایت را قاضی ابن براج (قاضی، ۱۴۰۶م، ج ۲، ۵۱)، شیخ صدوق (صدوق، ۱۹۹۲م، ج ۴، ۸۲) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۹۹۲م، ج ۱۰، ۱۸۵) ذیل بحث دیات آورده‌اند و بدان استناد نموده‌اند. برخی این حدیث را حسن و برخی صحیح می‌دانند (صدوق، ۱۹۹۲م، ج ۴، ۸۴).

### ۱-۲-۱-۲- شهرت

مراد از شهرت در این جا شهرت عملی و فتوایی می‌باشد. از آن جایی که این قاعده و حدیث امام صادق علیه السلام نزد بسیاری از فقها مورد پذیرش قرار گرفته و در خصوص بحث ضمان، فقها در مقام صدور حکم و فتوا به این قاعده عمل نموده‌اند، می‌توان شهرت را به عنوان یکی از مستندات تقویت کننده این قاعده به شمار آورد. مضافاً این که مرحوم صاحب جواهر بعد از پذیرش این قاعده و عمل اصحاب به آن و صدور فتوا بر اساس این قاعده، بیان می‌دارند که در این مسئله مخالفی را نیافته است.

### ۱-۲-۱-۳- بنای عقلاء و حکم عرف

بنای عقلاء و حکم عرف از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مستندات این قاعده به شمار می‌رود. بنای عقلاء از جمله مستندات قاطع و غیرقابل خدشه بوده و قابل انکار نمی‌باشد، مضافاً این که از جهت مکان و زمان

۱۶- محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن محمد بن اسماعیل بن بزيع عن محمد بن الفضیل عن ابی الصباح الكنانی عن ابی عبدالله (ع) قال: کان صبیان فی زمان علی (ع) یلعبون باخطار لهم فرمی احدهم یخطره فمدق و باعیة صاحبه فرفع ذلک الی امیر المؤمنین (ع) فاقام الرامی البینه بانه قال: حدار، فدرأ عنه القصاص ثم قال: قد اعذر من حدّر.

دارای فراگیری و دوام بوده و در تمام جوامع می‌توان به آن استناد نمود. در واقع عقلاء جامعه، فردی را که قبل از انجام عمل خطرناک (لیکن مشروع و قانونی) به دیگران هشدار و آگاهی می‌دهد و آنان را با خطر آگاه می‌سازد و اگر آن‌ها به هشدار و انذار او بی‌توجه باشند، در نهایت اگر خسارت مالی و جانی به وقوع پیوست، در این جا شخص هشداردهنده فاقد مسئولیت بوده و مسئولیت اصلی متوجه فرد بی‌مبالات و غافل می‌گردد.

از آن جایی که قاعده هشدار یا همان تحذیر، از آرای محموده و عرفی می‌باشد (قاسم زاده، ۱۳۷۸، ۱۷۴)، عرف نیز به تبعیت از بنای عقلاء، حکم عقل را مورد تأیید قرار داده و بر اساس بنای عقلاء و ارائه محموده بودن و عرفی بودن قاعده هشدار قابلیت اخذ و تعیین ملاک وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ۴۷۲). یکی از جلوه‌های قاعده هشدار در قوانین ایران تبصره<sup>۱۷</sup> ماده ۸ قانون الحاق ده تبصره به قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۱۳۵۴ می‌باشد.

#### ۲-۲-۲- شرایط قاعده هشدار

استناد به قاعده هشدار (تحذیر) و حکم به عدم مسئولیت هشداردهنده، زمانی امکان دارد که شرایط هشدار فراهم و محقق گردیده باشد.

اولاً؛ هشدار باید مؤثر و متناسب با خطر باشد یعنی هم شرایط زمانی و هم مکانی و میزان تأثیر هشدار سنجیده شود (محقق داماد، ۱۴۰۰، ج ۲، ۲۴۳)؛ به طور مثال، ماده «۷۲»<sup>۱۸</sup> آئین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴.

۱۷- تبصره: در شهر تهران در خیابان‌هایی که به وسایل ایمنی عبور عابر پیاده مجهز شده باشد و به وسیله شهرداری برای اطلاع عامه آگهی شود عابر پیاده مکلف است فقط از محل‌های مخصوص عابر پیاده عبور کند در غیر این صورت اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده در سواره‌رو واقع شود مشروط بر آن که راننده مست نبوده و گواهینامه مجاز رانندگی داشته باشد و با سرعت مجاز حرکت کرده و وسیله نقلیه او نقص فنی مؤثر در حادثه نداشته باشد در صورتی که سه نفر افسر ارشد کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی عدم مسئولیت راننده را گواهی نمایند مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد و پرونده به مراجع قضایی جهت اقدام مقتضی ارسال می‌شود. عدم مسئولیت جزایی راننده مانع استفاده شخص متضرر از حادثه از مقررات بیمه شخص ثالث نخواهد بود.

۱۸- ماده ۷۲: وسایل نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کنند ضمن رعایت مفاد آئین نامه حمل مواد خطرناک، باید سه چراغ قرمز الکتریکی و دو مثلث شبرنگ را همراه داشته باشند. حمل فانوس برای این گونه وسایل نقلیه ممنوع است. به علاوه باید دارای دستگاه پمپ آتش نشانی آماده به کار باشند. این پمپ‌ها باید در محل‌هایی نصب شوند که هنگام ضرورت بتوان به سرعت آن‌ها را مورد استفاده قرار داد.

ثانیا؛ وصول هشدار به مخاطب به نحوی که خطر را درک نماید (حاجی زاده و زینالی نسرانی، ۱۳۹۲، ۱۲۶). در این خصوص علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام می‌نویسد: اگر هشدار داد و طرف مقابل شنید و مکان خود را تغییر نداد، هشداردهنده ضامن نیست. قید (ان سمع) یعنی در هشدار، وصول هشدار به مخاطب و درک خطر از جانب وی شرط می‌باشد<sup>۱۹</sup> (حلی، ۱۳۷۵ق، ۶۶۰).

ثالثا؛ امکان اجتناب از خطر وجود داشته باشد. به این معنا که مخاطب از حیث زمانی و وقت کافی در جهت گریز داشته باشد و یا از نظر توانایی جسمی، دارای قدرت لازم باشد و شرایط محیطی و اوضاع و احوال برای وی اجازه فرار را بدهد (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ۲۵۲).

رابعا؛ فعل هشداردهنده مشروع و قانونی باشد (قیاسی، ۱۳۸۶، ۱۲۸). به طور مثال در درگیری میان سارقان و قاچاقچیان و ماموران نیروی انتظامی، هشدار رافع مسئولیت نمی‌باشد. مثلاً اگر در آن محل توسط سارقان و اهالی محل هشدار داده شود و همزمان بین آن‌ها و ماموران درگیری مسلحانه صورت پذیرد و در همان حال، تیری به یکی از اهالی محل اصابت نماید، هشدار سارقان به دلیل این که فعل آن‌ها غیرقانونی می‌باشد، مشمول قاعده هشدار نمی‌گردد.

خامسا؛ برخی از فقها شرط اصابت بدون علم را ذکر نموده‌اند. بدین صورت که وقتی شخصی که در حال تیراندازی است، علم دارد که دیگران غافلند و به قول معروف مشغول کار خودشان می‌باشند، با این علم شروع به تیراندازی نماید و هشدار هم بدهد، در این جا مشمول قاعده هشدار نبوده و مسئولیت از وی رفع نمی‌گردد زیرا رami علم داشته که آن‌ها غافل‌اند و در صورت پرتاب نمودن، به آن‌ها اصابت خواهد نمود (محمدبن تاج‌الدین، ۱۳۹۲، ۲۵۴).

با نگاهی کوتاه بر قوانین موضوعه ایران در می‌یابیم که قانونگذار در تدوین و تصویب موادی از قوانین یا آئین نامه‌ها، به لفظ هشدار و آگاهی دادن اشاره نموده که به صورت اجمالی به آن‌ها اشاره می‌گردد. به طور مثال در ماده «۴»<sup>۲۰</sup> قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن مصوب ۱۳۴۹، تبصره یک<sup>۲۱</sup> ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین

۱۹- لو ثبت انه قال حذار لم یضمن ان سمع المرمی و لم یعدل مع امکانه.

۲۰- ماده ۴: ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسائط نقلیه غیرمجاز و عبور دادن دام در شاهراه‌ها و همچنین توقف وسائط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است.

هر گاه به جهت مذکور حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود راننده مجاز که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در شاهراه باشد نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت. ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه وسیله نقلیه را در شانه سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله نقلیه خود یا

نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳، مواد «۶»<sup>۲۲</sup>، «۱۴۲»<sup>۲۳</sup>، «۱۴۳»<sup>۲۴</sup>، «۱۴۵»<sup>۲۵</sup>، «۱۴۶»<sup>۲۶</sup> و «۱۵۱»<sup>۲۷</sup> آئین نامه ایمنی ساختمان کارگاه‌ها مصوب ۱۳۹۰ و مواد «۱۴»<sup>۲۸</sup>، «۲۲»<sup>۲۹</sup>، «۶۵»<sup>۳۰</sup>، «۱۲۵»<sup>۳۱</sup>، «۱۳۱»<sup>۳۲</sup>، «۱۸۴»<sup>۳۳</sup>،

وسيله ديگر بلافاصله به اولين درمانگاه يا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورين انتظامي اطلاع دهد. عدم مسئوليت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود.

۲۱- تبصره ۱: مأمورين مذکور موظفند که در ايستگاه‌های ايست و بازرسي وسایل هشداردهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبيه نمايند.

۲۲- ماده ۶: نصب و کاربرد کليه علائم و نشانه های ایمنی و هشداردهنده باید مطابق با آخرين مقررات ملی ساختمان (مبحث ۲۰) و آیین‌نامه علائم ایمنی در کارگاه‌ها مصوب شورای عالی حفاظت فنی انجام پذیرد.

۲۳- ماده ۱۴۲: محل‌های تأسیسات زیرزمینی در محوطه باز کارگاه، چاه‌های ارت، درهای خروجی، راه پله فرار، راهروها، راه پله‌ها و نظایر آن که از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشند باید به وسيله علائم آگاه‌کننده و هشداردهنده، مشخص و معلوم گردند.

۲۴- ماده ۱۴۳: محوطه باز در ساختمان کارگاه باید دارای موارد ایمنی ذکر شده زیر باشد: الف - پیاده رو مخصوص عابرين پیاده. ب - علائم ایمنی هشداري و آگاه‌کننده برای عابرين و وسایل نقلیه. ج - تأمین روشنایی محوطه به تعداد لازم و کافی.

۲۵- ماده ۱۴۵: چنانچه به هر دليلی پوشش روی دهانه برداشته شود باید توسط فرد تحت کنترل بوده و یا با استفاده از نرده‌های موقت قابل حمل محفوظ گردیده و به وسيله علائم و نوارهای ایمنی مناسب و با چراغ گردان در شب نسبت به هشدار و آگاهی به سایر افراد اقدام گردد.

۲۶- ماده ۱۴۶: سیم‌های برق و تأسیسات برقی در محوطه باز باید ایمن و محفوظ بوده و با علائم هشداردهنده مشخص گردیده و از رسیدن هر گونه صدمه و آسیب به آن‌ها جلوگیری گردد. ضمناً رعایت حریم خطوط برقدار مطابق با قوانین و مقررات برق ایران الزامی است.

۲۷- ماده ۱۵۱: تمامی گذرگاه‌های وسایل نقلیه باید از معابر پیاده و خطوط راه‌آهن مجزا بوده و از هرگونه تقاطع خطرناک بین آن‌ها جلوگیری شود و در صورت ایجاد تقاطع باید به وسيله تجهیزات حفاظتی مناسب، علائم هشداردهنده و چراغ‌های گردان، ایمن گردد.

۲۸- ماده ۱۴: مناطق حادثه ساز در معدن باید با تابلو و علائم هشداردهنده مناسب از محل‌های مجاور مجزا شده و هر گونه ورود به این مناطق منوط به کسب مجوز از مسئول ایمنی است.

۲۹- ماده ۲۲: در صورت توقف وسيله بارگیری یا باربری در مکان‌هایی غیر از محل پارکینگ، محوطه توقف وسيله باید با علائم هشداردهنده مانند شبرنگ، چراغ و حفاظ مشخص شود.

۳۰- ماده ۶۵: ماشین‌آلات بارگیری و باربری باید دارای هشداردهنده‌های صوتی و نوری مناسب در زمان حرکت به عقب باشند.

۳۱- ماده ۱۲۵: هر لوکوموتیو باید دارای چراغ جلو با قابلیت روشنایی مؤثر تا فاصله سی متر باشد. همچنین در پشت آخرین واگن هر قطار باید چراغ خطر قرمز رنگ یا وسایل هشداردهنده نصب شود به گونه‌ای که حداقل از فاصله سی متری دیده شود. چراغ‌های قطار در زمان حرکت باید روشن باشند.

«۱۸۵»<sup>۳۴</sup>، «۱۸۹»<sup>۳۵</sup> و «۲۱۶»<sup>۳۶</sup> آئین نامه ایمنی در معادن مصوب ۱۳۹۱.

می توان گفت قانونگذار اساساً توجه کمتری به مسئله قاعده هشدار داشته و نمی توان از موارد ذکر شده مبنایی را برداشت نمود اما با کنار هم قرار دادن این موارد و فصل ششم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (موجبات ضمان) شاید بتوان این گونه برداشت نمود که قانونگذار در خصوص رابطه استاد، نگاهی کوتاه نیز به قاعده هشدار داشته و مبنای قاعده هشدار که نتیجه آن عدم مسئولیت و عدم ضمان است، قطع رابطه استاد را در نظر گرفته است (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۷۱). مواد «۴۹۲»<sup>۳۷</sup>، «۵۰۰» و تبصره دوم<sup>۳۸</sup> ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می توانند در تحصیل مبنای قاعده هشدار، یعنی قطع رابطه استاد مورد استفاده قرار گیرند.

در تبصره دوم ماده ۵۰۸، بین زیان و عامل زیان، رابطه استاد وجود داشته لیکن با اقدام زیان دیده که همان عدم توجه وی به هشدار می باشد، رابطه استاد قطع شده است که طبعاً وجود هشدار با شرایطی که قبلاً بیان شد، موجب قطع رابطه استاد می گردد کما این که در رویه قضایی نیز همین گونه بوده و در

۳۲- ماده ۱۳۱: مراکز بارگیری در تونل ها باید طوری طراحی شوند که جای کافی برای عبور و مرور افراد باقی بماند و شروع حرکت قطار و یا واگن باید توسط علائم هشداردهنده شنیداری و دیداری اعلام گردد.

۳۳- ماده ۱۸۴: نزدیک شدن افراد متفرقه ای که در کار دستگاه ها دخالتی ندارند هنگام کار دستگاه های باربری در مسیر شیب دار به محوطه ای که در آن ها واگن ها از سیستم بکسل و یا زنجیر جدا و تخلیه می گردند، ممنوع است. به این منظور باید در محل فوق الذکر تابلوی هشداردهنده نصب نمایند.

۳۴- ماده ۱۸۵: اگر عمق چاه به اندازه ای باشد که ارتباط مستقیم بین متصدیان پذیرگاه های مختلف چاه به وسیله صدای افراد به طور واضح برقرار نشود باید این ارتباط به وسیله هشداردهنده صوتی یا وسایل مخابراتی برقرار گردد.

۳۵- ماده ۱۸۹: بالاترهای دائمی که برای حمل افراد به کار برده می شوند باید مجهز به سیستم نشان دهنده موقعیت اطاقک بالاتر در چاه بوده و با وسایل هشداردهنده صوتی نزدیک شدن آن به پذیرگاه ها اعلام گردد.

۳۶- ماده ۲۱۶: تمام کامیون ها در معدن باید دارای چراغ جلو و چراغ خطر در عقب باشند و بلندی صدای سیستم هشداردهنده صوتی آن ها بیشتر از بلندی صدای معمول در معدن باشد.

۳۷- ماده ۴۹۲: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن ها انجام شود.

۳۸- تبصره ۲: هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه است مگر این که بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند این که مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علامت یا با شکستن درب وارد شود.



صورت عدم هشدار و یا هشدار بدون شرایط لازم، رابطه استناد را برقرار و متصل می‌دانند. شعبه دهم دیوان عالی کشور در مقام تنفیذ رای دادگاه تالی طی دادنامه شماره ۷۳۷ به تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۰۳ چنین استدلال نموده است: «دادگاه شرکت ملی گاز را به دلیل این که کنار کانال حفر شده توسط آن شرکت علامت هشداردهنده نصب نکرده است و به این سبب خواهان متوجه کانال مذکور نگردیده و در نتیجه در آن سقوط و دچار آسیب شده، محکوم به جبران خسارت می‌نماید.» در این رای به دلیل عدم هشدار با شرایط خاص، قاعده هشدار منتفی بوده و رابطه استناد جهت بار نمودن مسئولیت و ضمان برقرار می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۴، ۱۱۴). شعبه هشتم دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۹۱۰۱۸۹/۸ در یک پرونده با موضوع تصادف منجر به ورود خسارت این گونه استدلال می‌نماید: «نصب تابلوهای هشداردهنده وظیفه قانونی و ذاتیه اداره راه و ترابری بوده و عدم نصب، علت اصلی تصادف می‌باشد و اداره مذکور مرتکب تقصیر می‌باشد.» در واقع، هشدار با وجود تمام جهات، مبنای عدم مسئولیت عامل زیان بوده و بنا بر قطع رابطه استناد، خسارت به مخاطب هشدار از باب قاعده اقدام می‌باشد.

## ۲-۳- قاعده اقدام

خسارت مالی و در بیشتر موارد، خسارت جانی در جرایم و حوادث رانندگی، به عنوان پاشنه آشیل این گونه جرایم به شمار می‌روند و آنچه در خصوص ضمان (اعم از مدنی و کیفری) گفته شد، لزوم احراز رابطه استناد، به نحوی که نتیجه حاصله از آن رفتار به خصوص منتج شده باشد، است. اما همین رابطه استناد در برخی موارد توسط رفتار و نقش بزه‌دیده قطع می‌گردد و حاکمیت و جریان قاعده اقدام مطرح می‌شود. در این قسمت ضمن تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی اقدام، به مبانی این قاعده و همچنین صور مختلفی که ممکن است از سوی بزه‌دیده رخ داده و مصداق قاعده اقدام تلقی شود را تشریح می‌نماییم و در پایان به نتیجه حاصله که همان قطع رابطه استناد است می‌پردازیم.

با تتبع در نظرات علمای علم لغت می‌یابیم که اقدام به معنای دست به کاری زدن، پیش رفتن در کاری یا پا پیش گذاشتن در امری یا پیشی گرفتن است (عمید، ۱۳۷۵، ج ۱، ۲۰۶) و البته برخی اقدام را به معنای شجاعت و نداشتن ترس می‌دانند (لوئیس، ۱۹۷۳م، ۱۱۲). در اصطلاح علمای علم فقه، اقدام قاعده‌ای است که بر اساس آن اگر کسی در مال خود اقدامی نمود که به ضررش بود و یا اگر در امور جنایی، شخصی حرکتی، عملی یا اقدامی نمود که منجر به فوت یا صدمات بدنی خود شد، هیچ کس نسبت به این اقدام مسئولیت نخواهد داشت و قانون نیز از چنین شخصی حمایت نمی‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۹۲).

## ۱-۲-۳- مستندات قاعده اقدام

روایت «لا تلحل مال امریء مسلم الا بطیب نفس» از مستندات و ادله ضمان به شمار می‌رود و دلالت بر احترام مال مسلمان دارد لیکن به جهت نفی آن از سوی مالک ضمان نیز منتفی می‌گردد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ۴۸۷). آن دسته از روایاتی که دلالت بر جواز اباحه و تبرع به اعمال و اموال بدون هیچ گونه غرامت بر متبرع و نیز قاعده لاضرر است مبنی بر این که پیامبر اکرم (ص) دستور دادند به قطع درخت نخل بدون ضمان از این جهت که صاحب درخت نخل مال خود را ساقط کرده و به ضرر خود اقدام نموده بود (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ۴۸۹). در خصوص استدلال به بنای عقلاء به عنوان یکی از مستندات این قاعده، گفته شده: شخصی که بالغ و رشید باشد و با علم و اراده بر علیه خود اقدام نماید و باعث ضرر بر مال و جان خود گردد، در واقع مسئولیتی متوجه کسی نبوده و قاعده اقدام بر علیه خود مطرح است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۹۶).

در خصوص گستره قاعده اقدام، با تتبع در آثار فقها در می‌یابیم که این قاعده هم در امور مدنی و کیفری جریان دارد. به طور مثال در خصوص قراردادها و امور مدنی این گونه است: ارتداد زوجه قبل از دخول، موجب بطلان قرارداد مهریه می‌گردد که اقدام علیه خودش به شمار می‌رود و یا در خصوص معامله شخص عاقل و بالغ با فرد فاقد اهلیت که منجر به تلف مال توسط شخص فاقد اهلیت می‌گردد و می‌بینیم که شخص عاقل در این جا اقدام علیه خودش نموده و در امور کیفری کسی فردی را در آتش بیندازد و آن شخص با وجود داشتن قدرت از آتش خارج نشود، اقدام علیه خودش نموده و یا این که شخصی به دلیل نداشتن مهارت مکانیکی ترمز خودروی خود را تعمیر کند و در حین رانندگی متوجه عمل نکردن سیستم ترمز شود، این جا اقدام علیه خود صورت گرفته است.

## ۲-۲-۳- شرایط و آثار قاعده اقدام

فقها ضمن تعریف قاعده اقدام و بیان مستندات این قاعده، شرایطی را بیان نموده‌اند که در صورت فقدان این شرایط، نمی‌توان به قاعده اقدام تمسک نمود.

اولاً: شخص اقدام کننده اهلیت داشته باشد تا بتوان عمل وی را به اقدام علیه خودش تلقی نمود. اهلیت نیز به معنای عاقل، بالغ، رشید بودن است (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ۵۷).

ثانیاً: شخص دارای اختیار باشد. یعنی در این صورت می‌توان عمل فرد را از مصادیق قاعده اقدام دانست که فرد در ارتکاب آن مختار باشد نه این که مجبور باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ۱۱۴).

ثالثاً: داشتن علم از مواردی است که فقها برای استناد به قاعده اقدام لازم می‌دانند، یعنی زمانی عمل بر رفتار شخصی را می‌توان اقدام علیه خودش تلقی نمود که از روی علم و آگاهی صورت گرفته باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ۱۸۵).

رابعاً: در میان فقها و حقوقدانان این اختلاف وجود دارد که آیا وجود قصد برای تحقق قاعده اقدام لازم است یا خیر؟ افرادی از جمله آیت الله موسوی بجنوردی این شرط را لازم می‌دانند و برخی از حقوقدانان از جمله دکتر جعفری لنگرودی بر این باورند که این شرط ضرورتی ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۰۲).

مهم‌ترین اثر قاعده اقدام، قطع رابطه استناد میان فعل و نتیجه و در نهایت اسقاط ضمان است که به دو شکل می‌تواند بروز نماید. در برخی موارد اقدام بزه‌دیده به عنوان تنها علت ورود خسارت است که با در نظر گرفتن شرایط قاعده اقدام، بزه‌دیده برای جبران خسارت، حق رجوع نخواهد داشت و در این جا قاعده اقدام به طور کلی مسقط ضمان است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۴۹۶). اما در برخی موارد تقصیر و اقدام بزه‌دیده در کنار تقصیر دیگری، موجب بروز خسارت جانی یا مالی می‌گردد یعنی قاعده اقدام به صورت جزئی مسقط ضمان است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۱۲). مانند این که در یک سانحه رانندگی، مسافر حاضر در اتومبیل، کمربند ایمنی خود را نبسته است و شخص راننده نیز دارای سرعت غیرمجاز است که در این جا خطای راننده و تخلف او به اقدام شخص مسافر پیوند خورده است که در این جا شخص بزه‌دیده در خصوص خطای خودش که اقدام علیه خودش بوده، حق رجوع به عامل زیان را ندارد منتها در بقیه خسارت که از سوی راننده بوده، می‌تواند به وی رجوع نماید.

قاعده اقدام در فقه به عنوان یک دفاع کامل محسوب شده است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ۴۸۸). پذیرش خطر به این معنا است که اگر کسی دانسته (با علم و آگاهی) خطری را قبول نماید در حقیقت اقدام علیه خودش نموده است و مستحق دریافت خسارت از کسی نمی‌باشد که این خود دارای شرایط و مبانی می‌باشد که تا حد زیادی به قاعده اقدام نزدیک می‌باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ۱۸۵).

قاعده اقدام و پذیرش خطر هر دو مسقط ضمان هستند و علاوه بر امور مدنی در امور جزایی نیز مطرح می‌باشند (طاهری، ۱۴۱۸ق، ۲۶۹). تنها تفاوت قاعده اقدام و پذیرش خطر را می‌توان این گونه بیان نمود که پذیرش خطر یک دفاع تمام عیار بوده و در صورت اثبات و قبول آن از سوی دادگاه، خواننده به طور کامل از جبران خسارت معاف می‌شود لیکن در خصوص قاعده اقدام بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر

وجود دارد که برخی این قاعده را به طور کامل مسقط ضمان می‌دانند و برخی در بعضی موارد این قاعده را مسقط ضمان به صورت جزئی تلقی می‌نمایند (طاهری، ۱۴۱۸ق، ۲۷۰). علیرغم این که این قاعده در اغلب موارد مسقط به طور کلی است لیکن این اختلاف کماکان وجود دارد.

## نتیجه

از مباحث و مطالب مطرح شده در این پژوهش می‌توان یافته‌ها و نتایج حاصله را این‌گونه ارائه نمود: وجود رابطه استناد در جرایم مقید به نتیجه به عنوان جزء چهارم رکن مادی (رفتار، اوضاع و احوال و شرایط، نتیجه و رابطه استناد) که در واقع نتیجه مجرمانه را به رفتار مرتکب متصل می‌نماید، در کنار دیگر شروط مسئولیت، امری ضروری به نظر می‌رسد و قانونگذار نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مسئله استناد و دائرمدار بودن مسئولیت بر این مؤلفه به صراحت پرداخته است. لیکن در این میان برای تحقق مسئولیت کیفری، صرف وجود رابطه استناد (آن هم به صورت ابتداء) کفایت نمی‌کند بلکه اتصال و پیوستگی نتیجه به رفتار، همواره باید احراز گردد. بنابراین اگر عواملی همچون قاعده اقدام (اقدام بزه‌دیده علیه خود مانند؛ کارگر ساختمانی که از استفاده کلاه ایمنی ممانعت می‌نماید و رفتارهای خطرناک علیه خود انجام می‌دهد) و نیز قاعده هشدار (بی‌توجهی و عدم اعتناء برخی رانندگان به تابلوی نصب شده اخطار خطر در برخی جاده‌های در حال ترمیم) و قاعده احسان (دادن آب قند به شخصی که در کنار خیابان غش نموده است آن هم با دلیل احسان و نیکی و خیرخواهی و آن شخص با نوشیدن آب قند فوت نماید و کاشف به عمل آید که غش نمودن آن شخص ناشی از بالا بودن قند خون بوده که نوشیدن آب قند مزید بر علت و منجر به فوت شده است) بروز نمایند، طبعاً با وجود شرایطی که در این پژوهش برای اثبات و تحقق هر قاعده بیان شد، رابطه استناد می‌تواند قطع گردد و با زوال پیوستگی و قطع رابطه استناد، در نتیجه پدیده مجرمانه ظهور پیدا نمی‌نماید و فقدان مسئولیت کیفری و عدم ضمان از پیامدهای آن به شمار می‌رود.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحجره.

## فارسی

- آقایی نیا، حسین، ۱۳۸۶، **جرایم علیه اشخاص (جنایات)**، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.

- حاجی زاده، حمیدرضا و زینالی نسرانی، حسین، ۱۳۹۲، **جایگاه فقهی هشدار و نقش آن در رفع**

**مسئولیت کیفری**، چاپ اول، انتشارات قانون مدار.

- حسینی، سیدمحمد رضا، ۱۳۹۴، **قانون مدنی در رویه قضایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، **لغت نامه و فرهنگ فارسی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- صادقی، محمدهادی و میرزایی، محمد، ۱۳۹۸، ماهیت رابطه استناد و معیار احراز آن، **مجله مطالعات فقه و**

**حقوق اسلامی**، شماره ۲۱.

- صفایی، حسین و رحیمی، حبیب الله، ۱۳۸۹، **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، چاپ اول،

تهران، انتشارات سمت.

- طاهری، حبیب الله، ۱۴۱۸ق، **حقوق مدنی**، چاپ اول، قم، انتشارات جامع مدرسین حوزه علمیه قم.

- عمید، حسن، ۱۳۷۵، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ چهل و چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- فیض، علیرضا، ۱۳۷۹، **مقارنه و تطبیق جزای عمومی اسلام**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- فروغی، فضل الله؛ باقرزاده گان، امیر؛ میرزایی، محمد، ۱۳۹۵، واکاوی فقهی - حقوقی احکام وضعی - تکلیفی

ترک فعل با توجه به رابطه استناد، **فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۴۵.

- قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۷۸، **مبانی مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.

- قیاسی، جلال الدین، ۱۳۸۶، تساوی سبب و مباشر در حالت تقصیر طرفین، **مجله حقوق اسلامی**، شماره ۱۲.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، **الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری) مسئولیت مدنی**، جلد اول،

چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، **مسئولیت مدنی**، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۰، **قواعد فقه**، جلد دوم، چاپ پنجاه و چهارم، قم، انتشارات مجد.

- میرشکاری، عباس، ۱۳۹۰، نقش هشدار در مسئولیت مدنی، **ماهنامه کانون**، شماره ۱۲۲.  
 - هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۳ق، **موسوعه الفقه الاسلامی المقارن**، جلد سوم، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

## عربی

- الحسن بن یوسف بن مطهر حلّی، ۱۳۷۵ق، **تذکرة الفقهاء**، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث.  
 - انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، **المکاسب**، جلد پنجم، چاپ اول، تهران، انتشارات کنگره.  
 - ابن براج قاضی، ۱۴۰۶ق، **المهذب**، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.  
 - ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، ۱۴۱۳ق، **قواعد الاحکام**، جلد چهارم، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.  
 - اسماعیل بن حماد الجوهری، ۱۹۹۰م، **الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)**، چاپ چهارم، دارالعلم.  
 - حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۲ق، **وسائل الشیعه**، جلد نوزدهم، چاپ اول، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.  
 - خوانساری، محمد رحیم، ۱۴۱۳ق، **الجوامع الفقهیه**، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله مرعشی.  
 - خوانساری، جمال الدین محمد، ۱۳۸۵، **شرح غررالحکم و دررالحکم**، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.  
 - طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، **المبسوط**، جلد هفتم، چاپ اول، قم، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.  
 - فاضل لنکرانی، محمد جواد، ۱۴۱۶ق، **قواعد الفقهیه**، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات مهر.  
 - فاضل هندی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، **کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام**، جلد یازدهم، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.  
 - فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵ق، **المصباح المنیر**، چاپ اول، قم، مؤسسه دار الهجره.  
 - لویس، معلوف، ۱۹۷۳م، **المنجد فی اللغة**، چاپ بیست و یکم، ذوی القربی.  
 - مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی الجزری ابن الأثیر، ۱۳۶۴، **النهایه فی غریب الحدیث و الاثر**، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.  
 - محمد بن حسن طوسی، ۱۹۹۲م، **تهذیب الاحکام**، جلد دهم، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء.  
 - محمد بن علی بن بابویه صدوق، ۱۹۹۲م، **من لا یحضره الفقیه**، جلد چهارم، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء.

- محمد بن عمر، ۱۴۱۰ق، **التفسیر الكبير (مفتاح الغیب)**، جلد شانزدهم، چاپ اول، دارالفکر.
- مدنی کاشانی، آقارضا، ۱۴۰۸ق، **کتاب الديات**، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- مراغی، احمد مصطفی، ۱۴۱۴ق، **تفسیر المراغی**، جلد اول، چاپ اول، مؤسسه دارالفکر.
- مصطفوی، محمد کاظم، ۱۴۲۱ق، **مائة قاعده الفقهيہ**، چاپ چهارم، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۹۵، **قواعد الفقهيہ**، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۶، **المکاسب المحرمه**، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۲۱ق، **کتاب البيع**، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۷ق، **مصباح الفقاهه**، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات فقاہت.
- موسوی عاملی، سیدمحمد، ۱۴۱۴ق، **مدارک الاحکام فی شرح شرايع الاسلام**، جلد چهارم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت.
- مراغی، میرعبدالفتاح، ۱۴۱۷ق، **العناوين الفقهيہ**، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- محمد بن تاج‌الدین، ۱۳۹۲، **جامع الأخبار**، چاپ اول، تهران، انتشارات حضرت عباس (علیه السلام).
- نائینی، محمدحسین، ۱۴۱۶ق، **فوائد الاصول**، جلد اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

## قوانین

- قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن مصوب ۱۳۴۹
- قانون الحاق ده تبصره به قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۱۳۵۴
- قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- آئین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴
- آئین نامه ایمنی ساختمان کارگاه‌ها مصوب ۱۳۹۰
- آئین نامه ایمنی در معادن مصوب ۱۳۹۱
- رای وحدت رویه شماره ۷۱۷